

## درآمدی نو بر تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری فضل‌الله بن روزبهان خنجی با تکیه بر تاریخ عالم آرای امینی

\* محدثه پاینده\*

\*\* سید علیرضا ابطحی\*\*

\*\*\* ناصر جدیدی\*\*\*

### چکیده

فضل‌الله بن روزبهان (۹۲۷.ق) از مورخانی است که در اندیشه تاریخ‌نگاری اسلامی - ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد. پرداختن به تاریخ از منظر یک فقیه محدث که همواره میان ذهن آرمان‌گرای خود و واقعی موجود در جامعه در نوسان بود، موجب نگرش خاص او به تاریخ شده است. این مقاله با هدف پرداختن به بررسی ویژگی‌های تاریخ‌نگری خنجی و تأثیر آن بر تاریخ‌نگاری او با تکیه بر عالم آرای امینی و دیگر منابع کمکی نوشته شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که معرفت تاریخی مؤلف با توجه به چارچوب‌های ذهنی و شرایط سیاسی و اجتماعی زیستگاهش بر اساس مؤلفه‌هایی همچون نگرش دینی (تأویل گرایی و تقدیر گرایی)، نگرش فرقه‌ای و کلامی، نگرش انتقادی، اخلاق محوری و نخبه گرایی و بینش سیاسی- اجتماعی، همراه با رویکردهای روایی و تحلیلی - انتقادی استوار است.

\*. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.  
taban\_tel\_2005@yahoo.com

\*\*. استادیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. و مدرس دروس معارف اسلامی. (نویسنده مسئول)  
abtahi1342@yahoo.com

\*\*\*. دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. و مدرس دروس معارف اسلامی.  
Jadidi\_naser@yahoo.com  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹

## واژگان کلیدی

فضل‌الله بن روزبهان، عالم آرای امینی، روش و بیش تاریخی، تاریخ‌نگری، تاریخ‌نگاری.

### ۱. طرح مسئله

خنجی از خاندان‌های سرشناس عراق و از فقیهان و صاحب‌منصبانی بود که با توجه به حصول معرفت تاریخی، بخشی از رویدادهای آن زمان را ثبت کرد. با توجه به این که جهان‌بینی مورخ، حاصل حیات فکری جامعه، دانش، اعتقادات و فرهنگ پیشینیان است و بازنمود آن در پردازش واقع تاریخی و تحلیل و تأویل آنها، به عنوان تاریخ‌نگری او تلقی می‌شود،<sup>۱</sup> لذا سؤال تحقیق این است که مؤلف از چه منظرگاه‌هایی به حوادث تاریخی می‌نگریست و تاریخ‌نگری او چه تأثیری بر تاریخ‌نگاری اش داشت؟ هدف در این پژوهش آن است که با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای، نشان داده شود که مؤلف، معرفت (باورهای اجتماعی، سیاسی و دینی) خود و زمانه‌اش را در گزارش رویدادهای تاریخی دخالت داده و تبیین و تأویل او از حوادث، با اثرپذیری از معرفت شخصی و ساختار اجتماعی و سیاسی زیستگاهش، تجرب فردی و فرایند درکش از حوادث تاریخی بوده که در تاریخ‌نگری او بازتاب یافته است. درواقع محقق در جستجوی بینش مورخ و بازتاب آن در اثر تاریخی اش باتوجه به مؤلفه‌های مذکور است.

### ۲. پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی در راستای تاریخ‌نگری خنجی و شناخت اثر او انجام شده است که در بیشتر آنها محققان بر شناخت بینش سیاسی و دینی او متمرکز شده‌اند و علی‌رغم موضوع مشترک، از نظرگاه‌های متفاوتی در این زمینه به تحقیق پرداخته‌اند، مانند: «ویکردهای شرعی فضل‌الله بن روزبهان خنجی در تاریخ‌نگاری عالم‌آرای امینی» از پرویز عادل (۱۳۸۳)، پایان‌نامه «آراء و احوال و تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی» از رضا عابدی (۱۳۹۱)، «بررسی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری فضل‌الله بن روزبهان در کتاب عالم‌آرای امینی» از زینب عیوضی (۱۳۹۶). برخی تحقیقات نیز در راستای پرداختن به شرح حال خنجی و شناخت جایگاه تاریخ‌نگاری او نوشته شده‌اند، مانند: «عالی‌آرای امینی» از محمدباقر (۱۳۷۷)، «تاریخ عالم‌آرای امینی» از محمداکبر عشیق (بی‌تا) و مقدمه و تصحیح او بر این کتاب (۱۳۸۲)، «نگاهی به تاریخ عالم‌آرای امینی» از منصور صفت‌گل

۱. ترکمنی آذر، درآمدی بر تاریخ تئوری در ایران، ص ۳.

(۱۳۸۳)، «فوايد علم تاریخ در نگاه فضل الله بن روزبهان» از مریم رنجکش (۱۳۸۶)<sup>۱</sup> به گفته عشيق، هنوز جای تحقیقات ارزشمندی در راستای شناخت همه‌جانبه افکار خنجی و آثارش در میان پژوهش‌های تاریخی خالی است. بنابراین کوشش این پژوهش بر آن است تا حد امکان دیگر عناصر حاکم بر تاریخ‌نگری مؤلف که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، از لابه‌لای سطوح کتابش استخراج و بیان شود.

### ۳. مقدمه

برای مفهوم تاریخ‌نگری، تاکنون تعریف مشخصی ارائه نشده است. مترجم کتاب عقل در تاریخ، واژه آلمانی (Historismus)<sup>۲</sup> را به تاریخ‌نگری ترجمه کرده است.<sup>۳</sup> به گفته زرین‌کوب، مطالعه تاریخ تنها آگاهی از گذشته نیست، بلکه معنی و هدف گذشته و آینده است و تاریخ‌نگری را معادل فلسفه نظری تاریخ می‌داند.<sup>۴</sup> به اعتقاد برخی دیگر از محققان، معرفت مورخ، تابع نظمی گفتمانی است مبنی بر این باور که اندیشه‌ای در پس تاریخ‌نگاری است که از آن به تاریخ‌نگری تعبیر می‌شود.<sup>۵</sup> درنتیجه تاریخ‌نگری یعنی یافتن عوامل اثرگذار بر ذهن مورخ به طوری که او ناخودآگاه اثر خود را در چارچوب اوضاع اجتماعی - سیاسی زیستگاه و اعتقاداتش می‌نویسد.<sup>۶</sup>

خنجی از عالمان شافعی‌مذهب بود<sup>۷</sup> که خود را فقیه محدث<sup>۸</sup> و خادم علوم دینی و طالب علوم یقینی معرفی کرده است<sup>۹</sup> و با خاندان‌های کهن و بانفوذ عراق (عجم) - روزبهانیان شیراز و صاعدیان اصفهان - پیوند خویشاوندی داشت.<sup>۱۰</sup> او دوران زندگی خود را در اواخر حکومت تیموریان، انقراض قراقوینلوها (حک:

۱. مشخصات کامل پیشینه پژوهش در فهرست منابع ذکر شده است.

۲. به معنای مکتب تاریخی.

۳. مترجم معنای آن را نهکر در حکمت و غایت درباره رخدادهای می‌داند که بر ملت‌های گوناگون گذشته است. (هگل، عقل در تاریخ، ص ۱۳)

۴. زرین‌کوب، تاریخ در ترازو، ص ۱۹۸.

۵. حضرتی، «درآمدی بر نقد تاریخی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ص ۹ - ۲.

۶. ترکمنی آذر، درآمدی بر تاریخ تگری در ایران، ص ۴ - ۲.

۷. مهمن‌نامه بخارا کتابی است از خنجی درباره دوران سلطنت محمدخان شیانی که تألیف آن را در سال ۹۱۵ ق به پایان رسانید. سلطان و دیگر فقیهان در سراسر این کتاب، او را شافعی مذهب خطاب کرده‌اند. برای مثال: «نوبتی در جلگای شهر طوس حضرت خان عالی مکان با این فقیر فرمودند: در مذهب شما که شافعیانید گوشت روباه حلال است و هر حالی پاکیزه است...». (خنجی، مهمن‌نامه بخارا، ص ۱۷۷)

۸. خنجی، عالم آرای امینی، ص ۹۱.

۹. همان، ص ۶۴.

۱۰. نیاکان خنجی مانند جمال الحق و الحقيقة روزبهان (پدر مؤلف) و صدرالافضل خواجه جلال‌الاسلام اسماعیل

۸۷۴ - ۷۸۰ ق / ۱۴۶۹ - ۱۳۷۸ م)، آغاز کار آق‌قوینلوها (۹۰۸ - ۱۵۰۲ ق / ۱۳۷۸ - ۱۳۷۸ م) و ظهور صفویان (حک: ۱۱۴۸ - ۹۰۷ ق / ۱۷۳۶ - ۱۵۰۱ م)، در عراق و آذربایجان و مأموراءالنهر گدراند.<sup>۱</sup> دوران زندگی او - در یک تطبیق تقریبی - مقارن قرون وسطی و آغاز رنسانس اروپا بود.<sup>۲</sup> خنجی به عنوان یک فقیه منتقد و صاحب رأی در دوران زندگی خود، در لشکرکشی‌ها، مناقشه‌های سیاسی - نظامی و فقهی حضور داشت.<sup>۳</sup> او در سال ۸۹۱ ق - یا ۸۹۲ ق -<sup>۴</sup> به اردوب سلطان یعقوب (حک: ۸۹۶ - ۸۸۳ ق / ۱۴۹۰ - ۱۴۷۸ م) در آذربایجان پیوست<sup>۵</sup> و به عنوان کاتب<sup>۶</sup> دربار سلطان، مأمور نگارش تاریخ دوران فرمانروایی او شد و در سال ۸۹۶ ق آن را به پایان رسانید.<sup>۷</sup>

خنجی در توجه به تعریف، اهداف و فواید تاریخ، از نگرش‌های قرآن به تاریخ الهام گرفته است.<sup>۸</sup> او به علم بودن تاریخ<sup>۹</sup> اعتقاد داشت و یادگیری آن را از فروض کفایات می‌دانست<sup>۱۰</sup> و به سبب پای‌بندی به دین، کوشید تا اثر تاریخی‌اش را در خدمت شریعت و سنت به کار گیرد.<sup>۱۱</sup> تا از رسالت خود به عنوان فقیه دور نشود. باعتقاد او، مطالعه تاریخ برای همه طبقات سودمند است؛<sup>۱۲</sup> اما بیشترین هشدار را به صاحبان قدرت داده<sup>۱۳</sup> و به موجب دسترسی به اسناد دولتی، اطلاعات حقوقی<sup>۱۴</sup> ارزشمندی

صاعدی (دایی مؤلف)، از جمله عالمان و صاحب‌منصبان زمان خود بودند. (همان، ص ۱۴۷ و ۱۶۷)

۱. همان، ص ۲۷۳.

۲. کتاب خنجی به نام *سلوک الملوک* با تألیف کتاب شهریار ماکیاولی هم‌زمان است (۱۵۱۳ م مطابق با ۹۱۹ ق). در این کتاب روزبهان، طینی سخن مشهور ماکیاولی شنیده می‌شود: «امیر به ترس و وحشت مردم بهتر می‌تواند تکیه کند تا به دوستی و محبت آنان». روزبهان نظریه «تغلب» را بر همین اصل بنا کرده است (مقدمه مصحح، ص ۳۶).

۳. از جمله سفرهای نظامی خنجی، همراهی با محمدخان در لشکرکشی به ترکستان برای نبرد با قرقاچ‌ها است. او در توجیه حضورش در این سفر دشوار، آن را فرض عین و وظیفه شرعی خود و همراهی با امام زمان می‌دانست. (خنجی، *مهمان نامه بخارا*، ص ۳۴)

۴. متأسفانه گزارش نویسنده درباره سال پیوستنیش به دربار متفاوت است؛ زیرا او دو تاریخ ۸۹۱ و ۸۹۲ ق را ذکر کرده است. (خنجی، *علم آرای امینی*، ص ۶۹ و ۲۲۰)

۵. همان، ص ۷۱ - ۶۹ - ۶۶ و ۲۲۰.

۶. سخاوهای استاد خنجی در کتاب *الضوء اللامع*، درباره او گفته که در سال ۸۹۷ ق به من خبر دادند که در اثر فصاحت بیان و طلاقت زبانش کاتب و مشاور دیوان سلطان یعقوب شده است. (سخاوهای، *الضوء اللامع*، ج ۶ ص ۱۷۱)

۷. نگاه قرآن به تاریخ نشانگر علمیت، اعتبار و فایده‌مندی و مظهر بیداری، هوشیاری و عبرت است. (حضرتی، *دانش تاریخ و تاریخ تکاری در اسلام*، ص ۲۲؛ نصیری، *تاریخ تحلیلی صدر اسلام*، ص ۱۹)

۸. خنجی، *علم آرای امینی*، ص ۷۸ - ۷۷.

۹. همان، ص ۸۷ - ۷۷.

۱۰. همان، ص ۹۲.

۱۱. همان، ص ۸۱ - ۷۹.

۱۲. زیرا مطالعه تاریخ انسان را آگاه می‌کند که «از آنها (پادشاهان) هر که سیرت محموده داشت بر ب Roxورداری از مزرع

را ارائه کرده است.<sup>۲</sup>

تاریخ‌نگاری خنجی به‌سبب تمرکز بر عنصر قدرت، اساساً از نوع تاریخ‌نگاری‌های سیاسی و نمادی از رویکرد سنتی به تاریخ است؛ اما نمی‌توان دیگر مؤلفه‌های مؤثر بر تاریخ‌نگری او را نادیده گرفت. مشروعیت‌بخشی به حاکم وقت، یکی از دل مشغولی‌های او است و برای تحقق این مهم، به مباحث فقهی و کلامی و آیات و احادیث متعددی متولّ شده است. مهم‌ترین عنصر برای بازشناسی ذهن مؤلف را می‌توان در متن‌الش در طبقات اجتماعی و سیاسی آن عصر یافت؛ زیرا او به‌سبب اشراف بر منابع حکومتی، درک بهتری از ساختار قدرت داشت. بنابراین شاخصه‌های تاریخ‌نگری او را به‌اعتبار جایگاه اجتماعی و سیاسی و چارچوب‌های ذهن مذهبی‌اش - علاوه‌بر نگرش سیاسی - می‌توان در قالب نگرش دینی با تأکید بر تقدیرگرایی و تأویل‌گرایی، نگرش انتقادی، نگرش اخلاقی محوری در راستای هشدار به نخبگان سیاسی و مذهبی، نگرش فرقه‌ای و کلامی و نگرش اجتماعی نیز برشمرد که در ادامه به این موارد و تأثیرگذاری آن بر تاریخ‌نگاری خنجی پرداخته می‌شود.

### ۱-۳. نگرش دینی (= تقدیرگرایی و تأویل‌گرایی)

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سنت تاریخ‌نگاری ایرانی اسلامی، غلبه تقدیرگرایی در تاریخ است.<sup>۳</sup> به‌پیروی از این نگاه، مورخ، علت برخی حوادث را به تقدیر نسبت می‌داد و اختیار انسان را در آنها بی‌اثر می‌دانست.<sup>۴</sup> از نظر خنجی نیز قضای حتمی همان اراده قطعی خداست که به‌قلم تقدیر وی رقم خورده و انجام می‌شود و تلاش آدمی برای تغییر آن بیهوده است. کاربرد واژه‌هایی مانند قضای الهی، تقدیر الهی، دست قضا، تقدیر سبحانی و قلم تقدیر در سراسر کتاب، نشانگر بینش تقدیرگرایانه او است که می‌توان آن را در دو مقوله گنجاند: یکی به‌عنوان اتفاقی خارج از اختیار انسان مانند سرنوشت و مرگ، برای مثال با اشاره به سرنوشت محتوم شیخ حیدر، تلاش سلطان را جهت تشویق

عالی برافراشته و نام نیکو به یادگار گذاشته و هر یک را خصال مذمومه پیشه ساخته، نقد دولت در باخته و نام بد خود در افواه عالم انداخته است.» (خنجی، *عالم آراء امینی*، ص ۸۲ - ۸۱)

۱. اطلاعاتی که خنجی درباره اصلاحات اراضی و مالیاتی ممالک عراق و فارس در اختیار خوانندگان قرار داده و پرداختن به بیان جزئیات این رویداد، به‌سبب اهمیت فقهی و حقوقی آن در ذهن مؤلف و مرهون فقاوت او به منظور تعقیب مسائل حقوقی است. (خنجی، *سلوک الملوك*، مقدمه مصحح، ص ۱۹)

۲. صفت گل، «نگاهی به تاریخ عالم آرای امینی»، آینه میراث، ص ۱۶۲.

۳. میثمی، *تاریخ تکاری فارسی*، ص ۲۴.

۴. حسن‌زاده، «اندیشه مشیت الهی در تاریخ‌نگاری اسلامی»، *مجله تاریخ اسلام*، ش ۵، ص ۱۳۶.

او به سلوک نیاکانش بی‌فایده می‌دانست<sup>۱</sup> و یا مرگ شاهزاده یوسف بر اثر بیماری که تقدیر الهی می‌دانست و چون زمان اجل فرا رسد، فرار از آن گریز ناپذیر است.<sup>۲</sup> مقوله دیگر به عنوان یک ابزار محافظه‌کارانه جهت تأمین خواست سلطان و توجیه مشروعیت حکومت و اقدامات او، برای مثال مؤلف با استناد به آیه «ثُوْتٰيِ الْمُلْكَ مَنْ شَاءَ»،<sup>۳</sup> سلطنت را ودیعه الهی و با استناد به آیه «إِذَا جَاءَ نَصْرًا لِّهِ وَالْقَتْلُ»<sup>۴</sup> دست قدرت الهی و تأیید سبحانی را عامل اصلی پیروزی‌های سلطان می‌دانست.<sup>۵</sup> عالم‌آرایی امنیی پر از تأویلات خنجی از آیات و احادیث و تطابق آنها با ظهور دولت و اقبال آل بایندر<sup>۶</sup> است.<sup>۷</sup> تأویل گرایی برداشت و مصادره به مطلوب رخدادهای مهم و آیات و احادیث در راستای بیانش مورخ است.<sup>۸</sup> تسلط او بر علوم دینی موجب استفاده گسترده‌اش از آیات و احادیث و در نتیجه تأویل و مصادره به مطلوب آنها در راستای مشروعیت‌بخشی به حکومت شده است.<sup>۹</sup>

نگرش دینی مؤلف، عنصر غالب در تاریخ‌نگری اش است<sup>۱۰</sup> و از این جهت با طبری - از محدثان مورخ و از پیروان رویکرد شریعت‌مآبانه و نماینده این نوع نگرش در تاریخ‌نویسی اسلامی - همانند است، با این تفاوت که طبری با عدم کاربرد نگاه عقلانی در تاریخ‌نویسی، رویکرد نقلی خود را با

۱. زیرا «سابقاً قضا، شیخ حیدر را از زمرة اشقيا نوشته و طينتش به حب رياست سريشه بود». (خنجی، عالم‌آرایی امنیی، ص ۲۶۲)

۲. همان، ص ۴۰۱ - ۴۰۰.

۳. آل عمران (۳): ۲۶.

۴. نصر (۱۱۰): ۱.

۵. خنجی، عالم‌آرایی امنیی، ص ۱۲۴.

۶. ع بایندر / بایندریان از طوایف ترکمان (أغز) است که در تشکیل و تحکیم اتحاد طوایف آق‌قوینلو و ایجاد سلسله تاریخی به همین نام مشارکت داشتند. سران طوایف آق‌قوینلو و سلاطین این سلسله و نگهبانان مخصوص آنان از طایفه بایندر بودند.

۷. خنجی، عالم‌آرایی امنیی، ص ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۷.

۸. فیاض و دیگران، «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری خاندان منجمان»، فصلنامه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء، ص ۱۰۴.

۹. برای مثال حدیث «الدنيا جمعه من جمع الآخره سبعه آلاف سنة...» و آیه «إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مائِةِ عَامٍ مِّنْ يَصْلَحُ لَهُذِهِ الْأَمْمَهُ أَمْرَ دِيْنِهَا وَ آيَهُ فِي بِصْرَعِ سَبْئِنَيْنِ لَهُ الْأَمْرُ» (روم (۳۰): ۴؛ خنجی، عالم‌آرایی امنیی، ص ۱۵۷). خنجی با تقریر اعداد آیه قرآن با تاریخ شروع فرمانروایان آق‌قوینلو از روی حساب جمل و با استناد به برخی احادیث متناسب به پیامبر اسلام ﷺ، به قدرت رسیدن آق‌قوینلوها در ایران را منطبق بر وعده الهی می‌دانست و از این راه برای سلاطین خود مشروعیت ایجاد می‌کرد (ص ۱۵۸ - ۱۵۷). او درباره صحابه نیز برای توجیه آرای خود به حدیث «أَصْحَابِي كَالْجُومُ بِأَيْمَمِ اقْتِدِيْتُمْ إِهْتَدِيْتُمْ» استناد داده و همه سلاطین و مجاهدین را به موازات کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ و پیروی از سیره و قول اصحاب پیامبر اسلام ﷺ فرامی‌خواند. (ص ۷)

۱۰. عادل، «رویکردهای شرعی فضل الله بن روزبهان خنجی در تاریخ‌نگاری عالم‌آرایی امنیی»، ماهنامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۸۶ و ۸۷، ص ۷۱ - ۶۵.

نگرش شدیداً دینی اش درآمیخته است؛ اما خنجی کوشیده است تا برخی رویدادها را با رویکرد نقادانه مورد تحلیل قرار دهد. درواقع او در تلاش برای پیوند میان عقل و دین بود؛ اما تحلیل‌ها و استدلال‌هایش تابع دین و سنت است و عقل را در پرتو دین به کار گرفته است.

### ۲-۳. نگرش انتقادی

بهنظر می‌رسد که غلبه نگرش دینی بر تاریخ‌نگری خنجی، منجر به تسليم او در مقابل تقدیرگرایی محض به تاریخ نشده و او در توصیف و تبیین رویدادها، همواره در تلاش جهت ترکیب افق‌های دو نگرش مشیتی و انتقادی است و متناسب با موضوع و به حکم سیاست، هر یک از آنها را استفاده کرده است. برای مثال در داستان ضعف قدرت سلطان یعقوب و مرگ او، هم تقدیر الهی را پذیرفته و هم به علل دیگر این حادثه – یعنی اسباب الهی به‌سبب اقدامات نادرست قاضی و عاملانش و دیگری اسباب طبیعی مانند سرمای هوا و بیماری سلطان – اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

مؤلف نسبت به عملکرد سوء دولتمردان، در انجام اصلاحات اقتصادی که منجر به نارضایتی رعایا شد،<sup>۲</sup> اعتراض و به عنوان یک فقیه منتقد، محتاط عمل کرده که البته رسالت اصلی اش هشدار به دولتمردان نسبت به اعمال نادرستشان است. به اعتقاد او میان عملکرد دولت و میزان مقبولیت آن نزد رعایا ارتباط تنگاتنگی است و رضایتمندی آنان از حکومت موجب دعای خیر و عدم رضایت موجب نفرینشان می‌شد.<sup>۳</sup> خنجی با استناد به آیه ۱۱ سوره رعد،<sup>۴</sup> اراده و اختیار انسان را در موقفیت‌ها و شکست‌هایش سهیم می‌دانست. همچنین با استناد به آیه ۲۸ سوره ابراهیم<sup>۵</sup> و بیان سرنوشت قراقوینلوها و مردمی که از آنان پیروی کردند و هلاک شدند، به نقش رهبر در جامعه و نقش مردم در انتخاب رهبر توجه داشت.<sup>۶</sup> او پس از سلطان، قاضی‌القضات را دومین شخص قدرتمند حکومت می‌دانست که با اقداماتش می‌توانست در ضعف و قدرت حکومت مؤثر واقع شود. به عبارتی دیگر مؤلف به توازن قدرت در دربار توجه داشته و از اعتماد بیش از اندازه سلطان به دیگران که منجره تکبر و جاهطلبی آنان شده، انتقاد کرده<sup>۷</sup> و از تعییرات مثبت و منفی احوال انسان‌ها در طول زندگی‌شان

۱. خنجی، *عالی آرای امینی*، ص ۴۱۵.

۲. همان، ص ۴۱۶.

۳. همان، ص ۳۷۶ و ۳۹۵.

۴. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْيِرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغْيِرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ».

۵. «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَأُوا بِغُمْطَةِ اللَّهِ كُفُراً وَأَلْحَلُوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ».

۶. خنجی، *عالی آرای امینی*، ص ۱۷۴.

۷. چنانکه قاضی «حقانیاتش اکثر بدین علت به نفسانیات مبدل شد و غرور شیخی و طلب تعیین پنجه وقار تمکن او را

سخن گفته است.

بانتوجه به اظهارات مؤلف درباره شخصیت‌های کتابش می‌توان گفت که همنشینی او با دیوانیان، موجب چشم‌پوشی اش از خطاهای آنان نشد<sup>۱</sup> و علاوه بر بیان صفات پسندیده، نقاط ضعف و مفاسد اخلاقی آنان را نیز نقد می‌کرد و هدفش هشدار به صاحبان قدرت و ثروت بود. در فضایی که دولتمردان یکی پس از دیگری با توطئه‌های یکدیگر به قتل می‌رسیدند و یا گرفتار خودخواهی و زیاده‌خواهی می‌شدند، خنجی از حوادث عالم عبرت گرفته و به دیگران نیز هشدار داده است.

### ۳-۳. نگرش اخلاق محوری و نخبه‌گرایی

نخبگان به‌واسطه قدرت و اختیاراتی که دارند، در کُنش تاریخی جامعه مؤثر هستند.<sup>۲</sup> می‌توان گفت که خنجی به‌سبب انتساب به خاندان‌های کهن، از نخبگان جامعه بود و نقش آنان در تفکر تاریخی اش حائز اهمیت است. بنابراین یکی از بینان‌های فکری او نخبه‌گرایی است و بر پایه آن، به «جالالت نسب نامدار»<sup>۳</sup> بودن شاه نیز تأکید کرده و علاوه بر او، به نقش مخرب و مؤثر دیگر نخبگان سلطنتی تأکید داشته است. نکته قابل تأمل آنکه منصب دیوانی او، منجر به بی‌توجهی اش نسبت به ضعف اخلاقی بزرگان سیاسی و مذهبی نشده و بهره‌گیری از بینش انتقادی در تحلیل رویدادهای درون‌درباری و نقد اخلاقی رفتار صاحب‌منصبان، بر اهمیت کارش افزوده است. خنجی کوشیده است تا بین جاه‌طلبی‌های انسان‌ها و آرمان‌های فردی و زوال سیاسی - اجتماعی، پیوند برقرار سازد و نشان دهد که چگونه فساد اخلاقی، سیاسی و اقتصادی نخبگان، منجر به زوال یک حکومت و جامعه می‌شود. او در ماجراهی اصلاحات اقتصادی، به خردگیری از اقدامات سخت‌گیرانه قاضی پرداخته و تلویحًا نسبت به عملکرد شاه نیز انتقاد کرده و خطای او را این‌می‌دانست که اصلاحات را مطلقاً در اختیار قاضی قرار داد و به‌سبب حُسن اعتماد به او بر کارهایش نظارت نداشت.

گزارش اقدامات شیوخ اردبیل نیز، بیانگر نگرش اخلاقی خنجی، همراه با رویکرد نقادانه نسبت به نخبگان مذهبی است. او اجداد این خاندان را صوفیان بامنش معرفی کرده است؛ اما درباره اقدامات شیخ جنید و شیخ حیدر، لب به اعتراض گشوده و آنان را به‌سبب عدول از منش نیاکان و پرداختن به

برتافت». (همان، ص ۳۴۱ و ۳۳۶).

۱. همان، ص ۳۳۹.

۲. روش، *تغییرات اجتماعی*، ص ۱۵۳.

۳. خنجی، *عالی آرای امینی*، ص ۴۰.

حب دنیا و ریاست‌طلبی مورد انتقاد قرار داده است.<sup>۱</sup> امیر بایندربیک از نخبگان سیاسی است که او نیز مورد نقد اخلاقی مؤلف قرار گرفته است؛ زیرا با وجود کارنامه نظامی و سیاسی درخشان، گرفتار تکبر شد و عیله سلطان طغیان کرد و سرگذشت او را همانند ابومسلم مروزی می‌دانست که به‌سبب غرور، از اهل بغي شد.<sup>۲</sup> خنجی با استناد به آیه ۴۳ سوره فاطر،<sup>۳</sup> عاقبت شوم انسان ریاکار را در داستان بایندربیک به تصویر کشیده است.

آیه ۷ سوره اسراء<sup>۴</sup> از جمله آیاتی است که بار اخلاقی دارد و مؤلف در داستان حسین کیا و امیر مسعود شاه به آن اشاره کرده است. از جمله رذایل اخلاقی مورد توجه او، مکر و غدر است و عاقبت کار غدار را در داستان حسین کیا<sup>۵</sup> چنین بیان کرده است: «و اتفاق ارباب بصیرت است که غدار عاقبت خوار گردد و در میان مردم ذلیل و بی اعتبار شود...».<sup>۶</sup> سپس در نقطه مقابل این داستان، به پناه‌داری امیر مسعود<sup>۷</sup> اشاره کرده که به‌موجب آن همواره از او به خوبی یاد می‌شد.<sup>۸</sup>

می‌توان گفت خنجی به‌واسطه نگرش نقادانه‌اش نسبت به برخی امور و توجه به اخلاق سیاسی، کوشیده به مقایسه، داوری و ارزیابی خلقيات شخصیت‌های تاریخی کتابش پردازد. مؤلف، نزاع‌های سیاسی درباریان، رقابت‌های شاهزادگان، توطئه و طغیان امیران و جاه‌طلبی‌های سیاسی و اقتصادی آنان را توجه بی‌توجهی به اخلاق سیاسی و اسلامی می‌دانست و به بیان و تحلیل خلقيات مثبت و منفی آنان پرداخته است.

#### ۴-۳. نگرش فرقه‌ای و کلامی و خلافت‌گزینی

آرمان شهر خنجی، احیای منصب خلافت در سایه سلاطین سنی‌مذهب بود. به‌اعتقاد ایرانیان باستان، خدا از میان انسان‌ها، برخی خاندان‌ها را برگزیده و بخشی از فره ایزدی را در وجود آنان نهاده و ایشان را بر مردم حکومت داده است. اندیشه تعلق فره ایزدی به پادشاهان در دیدگاه اندیشمندان دوره اسلامی نیز تداوم یافت و معیار اصالت‌نژاد و نهاد پاک‌اقبال، جایگزین فره ایزدی شد و در تعامل

۱. بنگرید به: خنجی، عالم آرای امینی، «داستان طغیان شیخ حیدر».

۲. همان، ص ۱۹۹ - ۱۹۱.

۳. «وَ لَا يَحِيقُ الْمُكْرُرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ».

۴. «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لَا فُسِّكُمْ وَ إِنْ أَسَأْنَتُمْ فَأَلَّهُمْ».

۵. صاحب قلعه فیروزکوه.

۶. خنجی، عالم آرای امینی، ص ۱۲۵.

۷. صاحب قلعه لیراو شیراز.

۸. خنجی، عالم آرای امینی، ص ۱۲۵.

با آموزه‌های اسلامی، شاهان را سایه خدا و خلیفه‌الله نامیدند.<sup>۱</sup> می‌توان گفت که خنجی نیز فره ایزدی را به معنای داشتن اصالحتنّزاد و جلالتنّسب به کار برده و از این راه قدرت سلطان را مورد تأیید قرار داده است. شرح او درباره اصالحتنّسب و حسب ملوک بایندری<sup>۲</sup> گواه این مدعاست.<sup>۳</sup> او منشأ قدرت سلطان و خاندان او را ودیعه‌الهی می‌دانست و از القاب خلافت پناهی ظل‌اللهی، انوشیروان عضدالسلطنه و الخلافه والدین استفاده کرده است.<sup>۴</sup> لقب ظل‌اللهی چنین القاء می‌کرد که سلطان دارای فره ایزدی است و با استناد به آیه ۳۰ سوره بقره،<sup>۵</sup> او را خلیفه‌فی‌الارض می‌دانست و حکومتش را به اراده‌اللهی پیوند می‌زد.<sup>۶</sup> مؤلف سلطان را پادشاه عادل دین پرور می‌نامد که وظایفش بپایی عدل، دفاع از سنت و جماعت و مبارزه با بدعت‌گزاران و برقراری امنیت است.<sup>۷</sup>

نکته قابل توجه آنکه مؤلف از معرفت متعارف جامعه ایرانی نیز بی‌تأثیر نبود. او مانند طوسی، غزالی و ماوردی<sup>۸</sup> درباره حکومت از اندیشه ایرانیان پیش از اسلام متأثر است؛ اما سعی در اصلاح آن با توجه به دانسته‌های جدید و مقتضیات زمان داشت. توجه خنجی به معیارهای تعیین‌کننده پادشاهی، می‌تواند دلیلی بر تأثیرپذیری اش از اندیشه ایران باستان باشد؛ زیرا ویژگی‌های پادشاه نزد او، همان است که در اندرزنامه‌های پیش از اسلام آمده و رفتار به عدل از مهم‌ترین آنها است و مؤلف در سراسر کتابش به این خصلت پادشاه زمانه‌اش اشاره کرده است.

به‌نظر می‌رسد که نگرش فرقه‌ای مؤلف، وطن‌دوستی او را تحت شعاع قرار داده و تنها عامل توجیه‌کننده او در حمایت از حکومت بیگانگان، احیای منصب خلافت است که او را وادر به حمایت از سلاطین غیر ایرانی کرده تا آرمان شهر خود (خلافت) را در وجود سلاطین سنی‌مذهب خلاصه کند. هدف اصلی این فقیه در آن شرایط سیاسی و مذهبی که صفویان در تلاش برای تشکیل دولت شیعه‌مذهب در ایران بودند، دفاع از اعتقادات اهل سنت است؛ درنتیجه، نگرش فرقه‌ای او بر وطن‌دوستی‌اش غالب است.

۱. ترکمنی آذر، درآمدی بر تاریخ تکوی در ایران، ص ۴۱۰ - ۴۰۷.

۲. به گفته عشیق، فضل الله از بر شمردن خصایص نسبی و حسی ملوک بایندری دو هدف را در نظر دارد؛ اول اینکه ثابت کند که شاهانی که او به نگارش تاریخشان پرداخته، همگی نسب و حسب عالی دارند و دوم اینکه او نیز چون شاهنش دارای اصل و تبار عالی است. (خنجی، عالم آرای امینی، مقدمه مصحح، ص ۴۵)

۳. خنجی، عالم آرای امینی، ص ص ۴۳ - ۴۰.

۴. همان، ص ۴۹ - ۳۹.

۵. «إِنَّى جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً».

ع بقره(۲)؛<sup>۳</sup> خنجی، عالم آرای امینی، ص ۳۷.

۷. همان، ص ۴۷ - ۴۴ و ۴۵.

۸. خنجی در سلوک‌الملوک از اندیشه‌های سیاسی و فقهی غزالی و ماوردی استفاده کرده است.

خنجی به سبب تأثیر از شرایط زمانی و مکانی و جایگاه مذاهب کلامی - بهویژه غلبه تفکر اشعری - مواضعی پرلغزش و پرتشتت در باب مذهب تشیع برگزیده است. اگرچه او در مقدمه کتاب تاریخ عالم‌آراء، علاقه‌اش به اهل‌بیت را آشکارا بیان کرده است؛ اما به نظر می‌رسد که این ابراز علاقه، هرگز به معنی شناخت صحیح و آگاهانه وی از شیعه نبوده و نگاه او به شیعیان و اظهاراتش درباره رامورسم آنان، دارای تأمل و ایراداتی است. نمونه‌ای از این اظهارت در نگرش وی نسبت به اقدامات صوفیان اردبیل و جنبش مشعشعیان اهواز به عنوان شیعیان غالی و بدعتگزار نمایان است.<sup>۱</sup> او اگرچه کوشیده تا از تعصب به دور باشد؛ اما دخالت‌دادن عواطف و تعصبات شخصی در امر جدال و نقد، از عمدۀ لغزش‌هایش است. مؤلف، تشیع آل بویه و اعتزال را در ردیف زنادقه و نحله‌های فاسدۀ آورده و در همین راستا، حکم تکفیر و الحاد گروههای شیعی را در جای جای کتابش ذکر کرده است. او در مقام متکلم دینی با رویکرد کلامی اشعری، تشیع را با عنوان رافضی، به ملاحده و غالیان منتبه کرده که نشانگر آمیختن افکار التقاطی قرامطه و باطنیان و ملاحده با اعتقادات قاطبه شیعیان از جانب او است. مؤلف با استفاده از این مفاهیم به عنوان برچسب‌هایی برای محکومیت این گروهها، آسان را از جامعه زمان خود جدا کرده است. در نتیجه او با در نظر گرفتن علقوه‌های مذهبی، تاریخ را وصف کرده و علاوه‌بر غیرمسلمانان، از مسلمانان - اعم از شیعی و سنی‌مذهبان - نیز انتقاد کرده است.

### ۵-۳ نگرش اجتماعی

تاریخ اجتماعی، نگرش جدیدی است که در آن، نگاه مورخ به زندگی مردم و مسائل اجتماعی معطوف می‌شود. توجه به حال رعایا و طبقات مختلف جامعه، مناسک و آیین‌ها، جنبش‌های اجتماعی، حقوق شهروندی، اعتراض‌ها و شورش‌ها و مسائل اقتصادی، از موضوعات مورد مطالعه در تاریخ اجتماعی است<sup>۲</sup> که با توجه به آن، می‌توان ردپای نگرش اجتماعی خنجی را در تاریخ نگری‌اش یافت؛ اما توجه او به مسائل اجتماعی، ذیل تاریخ حکومت، جهت راهنمایی حاکمان و امیران برای اصلاح جامعه است. خنجی با گزارش بهبود اوضاع رعایای ممالک عراق، آذربایجان و دیار بکر در زمان سلطان یعقوب و مقایسه آن با دوره پیشین،<sup>۳</sup> کوشیده است تا تغییرات مثبت ایجاده شده در احوال رعایا و جامعه را به خواننده نشان دهد. مؤلف از سلطان به عنوان پادشاه رعیت‌پرور دین‌پناه یاد کرده

۱. بنگرید به: خنجی، عالم‌آرای امینی، «دانستن طغیان شیخ‌جیدر»، ص ۳۰۴.

۲. موسی‌پور، «تاریخ اجتماعی: رویکردی نوین به مطالعات تاریخی»، *فصلنامه تاریخی و تمدن اسلامی*، ص ۱۴۱.

۳. خنجی، عالم‌آرای امینی، ص ۲۴۹، ۱۶۹ و ۴۱۱ – ۴۱۰.

که رعایا در زمان او در آسایش و امنیت بودند، لذا اصلاحات دینی سلطان را ستوده و آن را با اوضاع نابسامان دینی در دوره قراقوینلوها مقایسه کرده است.<sup>۱</sup>

توجه به تحولات اقتصادی و واکنش نسبت به آنها یکی دیگر از جنبه‌های مورد توجه در مطالعات اجتماعی است که مؤلف در ماجراهای اصلاحات اراضی و مالیاتی، از آفته‌های اقتصادی - اجتماعی مانند رشو، خویشاوندسالاری و عدم به کارگیری افراد لائق در امور حکومتی سخن گفته است. او با بیان تغییر احوال شاه و دیوان‌سالاران، تلاش کرده تا نشان دهد که چگونه با تغییر خلق و خوی آنان، حکومت‌ها و جوامع نیز تغییر کرده‌اند. مؤلف با معرفی خود به عنوان یکی از رعایا، قاضی را به‌سبب عدم درک حال رعایای عراق و فارس سرزنش کرده<sup>۲</sup> و به وضعیت دشوار مردم و شدت عمل عاملان مالیاتی اشاره کرده است که منجر به بدینی رعایا نسبت به شاه شده بود.<sup>۳</sup>

اهمیت کار خنجی زمانی بیشتر می‌شود که پس از حاکم و دیوان‌سالاران، به دیگر طبقات مهم اجتماعی مانند «جمیع سادات عظام و قضات اسلام و مشایخ کرام و زاویه‌نشینان و درویشان»<sup>۴</sup> توجه دارد. رعایا در جریان اصلاحات - به‌سبب فشار عاملان مالیاتی - به بزرگان شهر خود متول می‌شوند تا با واسطه قراردادن آنان، صدای اعتراض خود را به سلطان برسانند. برای مثال آردستانیان برای شفاعت نزد علامه محمد بن عبدالله نیریزی رفتند.<sup>۵</sup> همچنین جلال الدین محمد دوانی<sup>۶</sup> از عالمان فارس جهت همدردی با رعایا، نامه‌هایی راجهٔ نصیحت و بیدادگری‌های عاملان حکومتی قاضی نوشته.<sup>۷</sup> از طرف دیگر حضور روحانیان در جنگ‌ها (مانند جنگ با قوای گرجستان)، موجب مشروعيت جنگ و مقبولیت شاه نزد عامه مردم می‌شد.<sup>۸</sup> توجه به جنبش‌های دینی - سیاسی، از دیگر نشانه‌های نگرش اجتماعی مؤلف به تاریخ است. یکی از این جنبش‌ها، قیام شیخ حیدر اردبیلی بود که به اعتقاد خنجی، این قیام منجر به انحراف دینی

۱. خنجی فعالیت‌های دینی سلطان مانند برچیدن می‌خانه‌ها، برخورد با شراب‌فروشان و زانیان را برای تقویت شرع نیز بیان کرده است. (همان، ص ۳۱۵ - ۳۱۳، ۳۱۳ - ۱۵۹)

۲. با توجه به آنکه خنجی و خاندانش در شیراز سیورغال داشتند، قاضی حمایت او از رعایای عراق و فارس را به‌سبب طرفداری از خویشاوندان خود و به خطر افتادن منافع مالی آنان می‌دانست. البته خنجی این سخن را پذیرفته و برای این اقدام خود (حمایت از رعایا) و اقتاع قاضی، دلایل دیگری را بیان کرده است. (همان، ص ۴۵۰ - ۳۴۸)

۳. همان، ص ۳۹۱.

۴. همان، ص ۲۳۸.

۵. همان، ص ۳۵۴.

۶. جلال الدین محمد دوانی (۹۰۸ ق / ۱۵۰۲ م) از عالمان فارس و از استادان خنجی بود که در نگارش آثارش به‌ویژه عالم آرای امنی و سلوک الملوك از اثر او (أخلاق جلالی) تأثیر پذیرفته است. (خنجی، سلوک الملوك، ص ۳۲۳)

۷. خنجی، عالم آرای امنی، ص ۳۵۱ - ۲۵۰.

۸. همان، ص ۲۱۶.

و عقیدتی مردم شد.<sup>۱</sup> مؤلف، جنبش مشعشعیان در خوزستان، بصره و اهواز را نیز به عنوان یکی از جنبش‌های شیعیان غالی می‌داند و آنان را همانند صوفیان اردبیل، از طایفه بدعت‌گزاران به شمار می‌آورد و مقابله سلطان با آنها را - به جهت تقویت سنت و جماعت - ستوده است.<sup>۲</sup>

مقابله با بحران‌های ناشی از فتنه مخالفان، حملات دشمن به مناطق مختلف، برهم‌زدن امنیت رعایا، اقدامات سلطان برای جبران خسارات واردہ بر رعایا،<sup>۳</sup> توجه شاه به شکایات رعایا و لشکر از مقامات حکومتی و مجازات آنان،<sup>۴</sup> اقدامات عام‌المنفعه سلطان و تعمیر راه‌ها جهت رفاه حال رعایا،<sup>۵</sup> پرداختن به مسائل و مصایب اجتماعی ناشی از وبا و طاعون (امراض وبوی) و مرگ‌ومیرها، خشکسالی، باران و سیل،<sup>۶</sup> همه و همه می‌تواند به عنوان نگرش اجتماعی مؤلف به تاریخ تلقی شود.

مورخی مانند خنجی که در منصب درباری داشت و در امور فقهی و حقوقی و حتی فتاوی جنگی نیز مورد مشورت قرار می‌گرفت، در کمترین حد وابستگی، کوشیده است تا دولتمردان را به اصلاح امور خود، برقراری امنیت و مبارزه با مخالفان شرع و سنت تشویق کند. درنتیجه مؤلف با گزارش جنبش‌های مذهبی مغایر با حاکمیت وقت، در تلاش است تا نشان دهد که افکار آنان موجب انحراف عقاید مردم شده و مقابله و سرکوبی این جنبش‌ها از وظایف سلطان است. همچنین بررسی اثر خنجی نشان می‌دهد که در اندیشه او، مردم - و یا به تعبیر او رعایا - جایگاه مهمی دارند و ریشه‌های قوت و ضعف سلاطین در اعتماد رعیت به پادشاه و یا دوری از وی است. مؤلف توجه سلطان به امور عام‌المنفعه را موجب پایداری حکومت، رضایت رعایا و توسعه اقتصادی می‌داند. یکی از موارد مهم در تاریخ‌نگاری اجتماعی خنجی، بررسی امور اقتصادی و اظهارنظر درباره آنهاست که به‌واسطه آگاهی‌های او از مسائل فقهی و حقوقی است. مؤلف در این بخش علاوه‌بر گزارش، انتقادهایی را ابراز کرده که او را در جایگاه ناقد حکومت نشان می‌دهد. ارتباطی که میان پدیده‌های اجتماعی و سیاسی

۱. همان، ص ۲۶۲.

۲. همان، ص ۳۰۴.

۳. برای مثال دربی حملات مکرر شیخ‌حیدر به جانب شروان، سلطان میزان خسارات و تلفات واردہ به مناطق زندگی و زمین‌های کشاورزی رعایا را به‌سبب تاختوتاز لشکریان به رعایا پرداخت کرد. (همان، ص ۲۶۳ و ۱۶۷ - ۱۶۴ و ۲۸۷ و ۲۸۱)

۴. برای مثال مؤلف به عزل امیر خلیل‌بیک از داروغگی شیراز به علت فشار آوردن بر رعایا جهت گردآوری لشکر و مالیات اشاره کرده که موجب شکایات رعایا و لشکر از خلیل‌بیک و در نهایت مجازات و عزل او شد. (خنجی، عالم آزادی/امینی، ص ۲۲۱)

۵. خنجی در ذیل حوادث سال ۸۹۱ ق گزارشی از اقدامات سلطان جهت رفاه حال حاجیان مبنی بر امنیت راه‌ها - ایمن‌المسالک - آورده که متن این استمالت نامه به خط خودش است. (همان، ص ۲۲۲)

۶. همان، ص ۲۳۳ - ۲۳۱ و ۳۲۲ - ۳۲۳ و ۴۰۲.

وجود دارد، خنجی را برآن داشته که تأثیر افعال سیاسی و اقتصادی حاکمان بر زندگی اجتماعی مردم را بررسی کند. هرچند نباید فراموش کرد که مؤلف، مورخی درباری است و هدف اغلب نوشتۀ هایش بهبود و حفظ جایگاه حاکمان در جامعه است.

#### ۴. روش تاریخ‌نگاری

روش عبارت است از مجموعه راههای متناسب با معیارهای ذهنی مؤلف که او را در کشف مجھولات هدایت می‌کند و همچنین مجموعه قواعدی است که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌رود.<sup>۱</sup> با پذیرش اینکه روش، همواره متکی بر بینش است، به روش تاریخ‌نگاری خنجی اشاره می‌شود. مؤلف هدفش را از نگارش تاریخ، بیان شرح حال سلطان یعقوب بیان کرده است. پس تاریخ‌نگاری او از نوع دودمانی و تکنگاری موضوعی، درباره فرمانروایی خاص بهشمار می‌رود.<sup>۲</sup> با توجه به هفت مزیتی که مؤلف برای اثر خود گفته است، می‌توان به شیوه‌های تاریخ‌نگاری او پی‌برد. این ویژگی‌ها عبارتند از: ۱. دیباچه مفصل، ۲. عدم بیان امور خلاف شرع، ۳. عدم ذکر اعمال صاحب تاریخ که موافق شریعت نیست، ۴. بیان تاریخ به‌شکل آسه‌هل و عدم ذکر حکایات امور اجنبی، ۵. عدم ذکر اکاذیب و عجایب در بیان اوصاف صاحب تاریخ و تکیه بر دیده‌ها و شنیده‌ها، ۶. ذکر اشعار خود به اقتضای کلام براساس انواع قالب‌های ادبی و ۷. کاربرد انواع صناعات ادبی و تخیلی.<sup>۳</sup>

#### ۵. استفاده از روش ترکیبی

در روش تاریخی پیشامدرن، دو روش نقلی و تحلیلی به کار رفته است.<sup>۴</sup> مهم‌ترین ویژگی‌های روش روایی عبارت است از توجه به تاریخ سیاسی، نقل صرف رویدادها بدون تجزیه و تحلیل و آمیختگی با افسانه و داستان. نقطه مقابل این روش، رویکرد تحلیلی و نقادانه است که در آن علاوه‌بر نقل

۱. ساروخانی، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۱، ص ۲۴.

۲. مورخ در شیوه دودمانی به ذکر تاریخ ظهور و فعالیت‌های سیاسی و نظامی سلسله یا فرمانروایی خاص می‌پردازد. این شیوه پیش از اسلام میان اقوامی چون ایرانیان شناخته شده بود و از آنجا که در تواریخ دودمانی عصر اسلامی تلاش ویژه‌ای جهت توجه به اخلاق سیاسی و تشکیلات اداری دیده می‌شود، بعضی محققان آن را متأثر از تاریخ‌نگاری ایرانی دانسته‌اند. (سجادی و عالم‌زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۱۲۶)

۳. خنجی، عالم‌آرای امنی، ص ۹۲ - ۸۲

۴. سجادی و عالم‌زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۴۵ - ۴۷ شوهانی، «پارادایم تاریخ‌نویسی در ایران: الگویی از تاریخ‌نگاری هزار ساله از اواخر قرن سوم تا برآمدن جنبش مشروطه‌خواهی»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، ص ۷۵ - ۱۰۲

روایات، پرداختن به علل وقوع حوادث نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> با توجه به آموزه‌های دینی، سیاسی و دیوانی خنجی، می‌توان گفت که روش او در نگارش تاریخ، ترکیبی از رویکرد نقلی و تحلیلی است؛ زیرا علاوه بر نقل شنیده‌ها و دیده‌هایش، در برخورد با برخی مسائل، رویکردی تحلیلی نیز اتخاذ کرده است. به گفته زرین کوب اگر تاریخ، محدود به دوره یا مکان خاصی باشد، مورخ بیشتر می‌تواند آن را مورد بررسی قرار دهد و می‌توان آن را تاریخ تحلیلی نامید.<sup>۲</sup> هرچند تاریخ‌نگاری خنجی را به معنای واقعی کلمه نمی‌توان تحلیلی دانست؛ اما نشانگر تلاش او در بهره‌گیری از این روش است. مؤلف در گام اول علت اصلی آغاز ضعف تدریجی دولت را اصلاحات اقتصادی می‌دانست که موجب نارضایتی عوام و خواص از حکومت شد.<sup>۳</sup> سپس علت دوم را عدم آگاهی سلطان از اقدامات قضی بیان کرده که به بهانه حکم همایونی، به رعایا ظلم روا داشتند و موجب بدینی آنان نسبت به شاه شدند.<sup>۴</sup>

او ابتدا به اسباب الهی<sup>۵</sup> جهت برچیدن ظلم اشاره کرده و پس از آن به بیان اسباب طبیعی<sup>۶</sup> و در ادامه به مرگ سلطان، شکست اصلاحات و عاقبت کار قاضی پرداخته است.<sup>۷</sup> درواقع رویکرد تحلیلی مؤلف دارای دو جنبه است: یکی نگاه انتقادی او به ساختار سیاسی اجتماعی موجود و تحلیل عملکرد صاحبمنصبان و دیگری تعمق در علت‌یابی آغاز انحطاط حکومت سلطان.

عنصر زمان، دیگر مسئله روش‌شناختی در تاریخ‌نگاری خنجی است. در تاریخ‌نگاری او عنصر زمان سامان‌مند نیست و در ذکر برخی سال‌ها دچار آشفتگی شده یا اینکه سال برخی حوادث را ذکر نکرده و بر موضوع محوری تکیه کرده است، بهویژه در بخش اول کتاب یعنی تا پیش از پیوستنش به

۱. سجادی و عالم‌زاده، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، ص ۴۱؛ مفتخری، «پارادایم‌های روش‌شناختی مؤثر بر پژوهش‌های تاریخی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ص ۱۳ – ۴.

۲. زرین کوب، *تاریخ در توازو*، ص ۱۱۷.

۳. خنجی، *علم آرای امینی*، ص ۴۱۶.

۴. همان، ص ۴۱۶.

۵. زیرا اصلاً جایز نیست که گروه اندکی بر گروه کثیری (مردم) ظلم کنند و به واسطه آن ظلم، همه عالم در کار خود متغیر و سرگردان شوند. بنابراین اقتضای طبیعت حکم می‌کند که به دفع ظلم مشغول شود تا مزاج عالم از اعتدال منحرف نشود. (خنجی، *علم آرای امینی*، ص ۳۷۵)

۶. مانند عیادت سلطان از والده خود که در بستر بیماری بود و با دیدن او خاطر سلطان اندوهناک و پس از آن دچار بیماری شد و از دنیا رفت. (همان، ص ۴۱۷)

۷. خنجی توضیح مفصل درباره عاقبت کار ساوجی را به جلد دوم کتابش موقول می‌کند که البته هرگز نوشته نشد؛ اما به گفته منشی قزوینی، ساوجی با توطئه درباریان از جمله امیر صوفی خلیل، محاکمه شد و به جرم زندقه به قتل رسید. (منشی قزوینی، *جوهر الاخبار*، ص ۸۵)

دربار سلطان یعقوب که سال پیوستن خود به دربار را نیز دو سال متفاوت - ۸۹۱ ق و ۸۹۲ ق - ذکر کرده است.<sup>۱</sup>

#### ۶. سبک نگارش

براساس روایت خجji، او کوشیده است تا تاریخ را به شکل آسه‌هل بنویسد تا برای خوانندگان قابل فهم باشد؛ اما به نظر می‌رسد که به سبب شخصیت علمی و زبان منشیانه‌اش، موفق به انجام این کار نشده است.

پیچیدگی ساختمان جمله‌ها<sup>۲</sup> و فراوانی عبارات ترکی مغولی و عربی<sup>۳</sup> در نثر فارسی، از مشخصه‌های سبک نگارش او است که ادامه سنت تاریخ‌نگاری عصر تیموریان بهشمار می‌رود.<sup>۴</sup> او در ویژگی‌های اثر خود، به کاربرد اشعار<sup>۵</sup> و انواع قالب‌های آن<sup>۶</sup> و صناعات ادبی و تخیلی و تمثیل و حکایت<sup>۷</sup> اشاره کرده است؛ اما میان روایت تاریخی و افسانه، مرزبندی قائل شده و از بیان عجایب و غرایب، پرهیز کرده است.

#### ۷. منابع کسب اطلاعات

خجji در تدوین اثر خود از منابع متعددی همچون منابع مکتوب، شفاهی و اسنادی مانند مکاتبات سلطنتی و اداری و استمالت‌نامه استفاده کرده که برخی به قلم او نگاشته شده‌اند.<sup>۸</sup> از منابع مکتوب

۱. امام شمس‌الدین سخاوی (۹۰۲ ق / ۱۴۹۶ م) - از استادان عرب خجji که در جوانی صحیح مسلم و بخاری را در مدینه نزد او فرا گرفت - در کتابش بنام *الضوء اللامع لأهل القرن النافع*، در شرح حال فضل الله به نقل از او می‌گوید فضل الله به من گفته که میان سال‌های ۸۵۰ تا ۸۶۰ ق متولد شده است. (سخاوی، *الضوء اللامع*، ج ۶ ص ۱۷۱؛ خجji، *مهمان نامه بخارا*، ص ۲۲ - ۲۱).

۲. مانند: «از بسیاری گرد و غبار، فلك قبای نیلی را گرته فیلی گردانید، گویی از نهیب دلاوران اجزای زمین تا مرکز میل میل کرد و در وسط کره غبار محیز مرکز شد (ص ۱۴۷)، یا «بایندر این مقدمات مزوره را طلیعه نصر و ظفر شمرد و حجج فاسده که چون اختلال شکل رایع مختلط‌الاتجاج بود چون شکل اول بدیهی‌الاتجاج می‌دانست...». (ص ۱۹۷)

۳. مانند سیور غال، ایلچی = فرستاده (ص ۱۲۶)، یورت = چادر و خیمه‌گاهی که قابل حمل است (ص ۱۳۷). مغلای = مقدمه لشکر (ص ۱۳۴) و لغات عربی مانند جسر = پل (ص ۱۳۰)، ریبع، شتا (ص ۱۳۳)، عساکر (ص ۱۳۵).

۴. ریپا، «علوم دقیقه در ایران عهد سلجوقی و مغول»، *تاریخ ایران کمبریج*، ص ۵۸۵.

۵. بیشتر اشعار کتاب سروده خجji است؛ اما برخی مواقع و به اقتضای کلام ایاتی از دیگران نیز آورده است مانند ابونصر عتبی (مرثیه ابونصر سبکتگین) (ص ۱۰۱) و اشعار عربی ابوالحسن بستی (ص ۱۰۳).

۶. قالب‌های رباعی (ص ۱۰۷ و ۱۰۹) و مثنوی (ص ۱۵۹).

۷. مانند جهان‌گشای جوینی (ص ۶۰)، *النذر کره باحوال الموتی و الامور الآخره* از امام ابو عبدالله قرطی (ص ۹۸).

۸. خجji ضمن گزارش رویدادها، پاره ای اسناد و مکاتبات سلطنتی و اداری را نیز در کتاب خود آورده است که یا به قلم خودش نوشته شده و یا به واسطه منصب دیوانی‌اش، به این اسناد دسترسی داشته است. مانند: نامه سلطان

نیز می‌توان به آیات قرآن و احادیث و نقل سخنان عالمان کلام و حدیث<sup>۱</sup> و تفسیر و لغت اشاره کرد.<sup>۲</sup> اما به‌گفته او مسموعات و مشاهداتش بیش از منابع دیگر در تاریخ‌نگاری اش ایفای نقش کرده‌اند. مؤلف حوادث تاریخی را پیش از پیوستن به دربار براساس شنیده‌هایش از ثقات بازگو کرده است. در این قسمت جنبه توصیفی و روایی بر اثر او غالب است؛ اما بخش دوم کتاب که شامل حوادثی می‌شود که پس از پیوستن او به دربار است و بیشتر گزارش‌هایش بر پایه دیده‌ها و تجاریش انجام شده که نشانگر نگرش انتقادی مؤلف است. یکی دیگر از منابع او، ثقات هستند که مطالب را از آنان نقل کرده است، مانند اطلاعاتی درباره اجداد شیخ‌حیدر؛<sup>۳</sup> اما نامی از این افراد نبرده است که می‌توان آن را نشانه ضعف تاریخ‌نگاری مؤلف دانست.

## ۸. جرح و تعدیل روایات

خنجی با توجه به چارچوب‌های ذهنی و معرفت تاریخی خود، در کاربرد داده‌های تاریخی، به جرح و تعدیل روایات پرداخته است، همچون عدم ذکر اعمال صاحب تاریخ که موافق شریعت نیست - مانند لشکر فرستادن به ناحیه‌ای که منجر به قتل و غارت شود<sup>۴</sup> - حذف گزارش‌های تکراری،<sup>۵</sup> انتخاب روایت صحیح و گزینش رویدادهای تاریخی براساس فهم تاریخی خود و امتناع از بیان

---

حسین بایقرا به یعقوب‌خان و جواب این نامه به خط خنجی (خنجی، عالم آرای امنی، ص ۲۴۶ - ۲۴۵). استمالت نامه‌ای که خنجی در ذیل حوادث سال ۸۹۱ ق به آن اشاره کرده و مبنی بر گزارشی از اقدامات سلطان جهت رفاه حال حاجیان به خط خنجی (ص ۲۲۲ - ۲۲۱)، فرمان حضرت صاحقران اوزون حسن به سلطان حسین بایقرا ملک خراسان که دایی خنجی صدر الافضل صاعدی، انشاء کرده بود که مضمونش «مؤکد این کلام بود که قرقاوینلو به هیچ دولت توسل نجستند که عن قریب به نکبت مبدل نشد: اولًا...» (ص ۱۷۴) و فرمان همایون به ملک مصر در سال ۸۹۲ ق که توسط خنجی به زبان عربی نوشته شده است (ص ۲۲۶).

۱. جامع الاصول از امام ابوالسعادات ابن اثیر از علمای محدثین در تفسیر حدیثی منسوب به پیامبر ﷺ: «ان الله يبعث لهذه الأمة علي راس كل مائه سنة من يجدد لها دينها». (ص ۱۵۷)

۲. برای نمونه در فصل «بیان رتبت تاریخ» در تعریف ایام الله و معناشناسی آن به نقل اقوال عالمان ادب و لغت و تفسیر مانند امام واحدی و ابن سکیت اشاره کرده است؛ اما از کتاب‌های آنان نامی نبرده است (ص ۲۷). یا «به قول صاحب جامع الاصول ...». (ص ۱۵۹)

۳. «و از طایفه ثقات که کتب مؤلفه در سیرت از ولایت به مطالعه شریف مشرف فرموده بودند این بنده را اخبار نمودند که سبب اختیار کردن شیخ مذکور طریق سلوک را آن بود...». (ص ۲۵۶)

۴. خنجی، تاریخ عالم آرای امنی، ص ۹۰.

۵. خنجی کتاب خود را ادامه کتاب دیبور پکریه از ابوبکر طهرانی می‌داند و ضمن اشاره به اینکه وقایع مربوط به دوران اوزون حسن در اثر طهرانی ذکر شده، می‌نویسد که لزومی به تکرار این مطالب نیست. (همان، ص ۳۴؛ همچنین بنگرید به: دیار بکریه)

اموری که بی‌سبب و اذن شرعی روی داده است. اگرچه این روش، رویکردی عام در تاریخ‌نگاری است؛ اما خنجی آن را بیشتر در ارتباط با جامعه اسلامی یعنی عرصه خودی به کار برده است. زیرا در گزارش «غزای گرجستان»<sup>۱</sup> که از دید او مجاهده با کفار و شامل عرصه غیرخودی می‌شود، به ذکر جزئیات یورش به آن سرزمین پرداخته است<sup>۲</sup> تا با استفاده از اصل برجسته‌سازی در عرصه خودی، اقتدار سلطان غازی در جهاد با کفار را به تصویر کشد. همچنین به‌سبب نگرش فرقه‌ای و کلامی، نگاه او درباره گروههای مخالف – به‌ویژه تشیع – درجهت پیش‌فرضهای متعصبه‌اش قرار می‌گیرد. چینش‌ها، حذف‌ها و گزینش‌ها و آرای التقادی مؤلف در باب تشیع گواه همین روش جرح و تعديل در ذکر برخی روایات تاریخی است. با این رویکرد، مؤلف جز همفکرانش، بقیه گروههای مذهبی مخالف با آرا و عقاید خود را با القاب ملحد و کافر از صحنه بیرون رانده و از اصل حاشیه‌رانی استفاده کرد است.

### نتیجه

بینش دینی، عنصر غالب در تاریخ‌نگری خنجی است؛ اما با توجه به جایگاه اجتماعی و سیاسی مؤلف در جامعه و دیدگاه‌های فقهی و کلامی و روحیه نقادانه او نسبت به مسائل پیرامونش، می‌توان به نگرش‌های دیگری همچون: ۱. نگرش فرقه‌ای و کلامی، ۲. نگرش اخلاقی و نقد رفتارهای نخبگان جامعه، ۳. نگرش انتقادی نسبت به صاحبمنصبان، ۴. نگرش اجتماعی و توجه به حال رعایا و مسائل آنان در کنار سیاست و ۵. تقدیرگرایی و تأویل‌گرایی، به عنوان مؤلفه‌های معرفت دینی نیز اشاره کرد. آرمان شهر خنجی به عنوان فقه ایرانی سنتی‌مذهب، احیای منصب خلافت بود و این مهم را می‌توان در وجود سلاطین غیرایرانی<sup>۳</sup> سنتی زمانه خود یافت. در نتیجه او برای حمایت از سلطان و برای مشروعيت سلطنت او، به آیات و احادیث متعددی متول شد. روحیه پرسشگر و نقادانه مؤلف سبب شده که او علاوه‌بر نقل روایات تاریخی، به انتقاد و علت‌یابی برخی حوادث نیز پردازد. رویکرد تحلیلی و انتقادی خنجی شامل انتقاد او نسبت به عملکرد نخبگان سیاسی و مذهبی در اداره جامعه و حکومت و عدم رعایت اخلاق سیاسی و اسلامی از جانب آنان می‌شود و جایگاه دیوانی او موجب عدم توجهش در برابر اقدامات نادرست صاحبمنصبان نشده است. خنجی در کنار گزارشات سیاسی و اقدامات سلطان و دیگر درباریان، به ذکر و تحلیل برخی مسائل اجتماعی و اقتصادی جامعه نیز پرداخته است؛ اما بذل توجه به این مسائل از جانب مؤلف در پرتو سیاست و ارتباط مستقیم با حکومت قرار می‌گیرد.

۱. خنجی، *تاریخ عالم آرای امینی*، ص ۲۱۶.

۲. صفت گل، *نگاهی به تاریخ عالم آرای امینی*، ص ۱۶۲ - ۱۶۱.

مهم ترین منبع کسب اطلاعات خنجری، شنیده هایش از ثقات و دیده ها و تجارب شخصی او است و عدم ذکر منبع یا اشخاصی که از آنان نقل قول کرده است، از نقاط ضعف تاریخ نگاری مؤلف به شمار می رود. نگرش فرقه ای و اطاعت از جماعت و سنت، موجب شده است تا مؤلف در بیان مطالب تاریخی، به چیش، سنجش، گرینش و حذف متناسب با باورهای ذهنی خود بپردازد. هر چند نمی توان از اهمیت فقهی و حقوقی و آگاهی های ارزشمندی که مؤلف درباره برخی رخدادهای زمانه خود گزارش کرده، چشم پوشید؛ اما نگاه فرقه ای و کلامی و تعصبات مذهبی اش، او را گرفتار اغراق در عرصه خودی و حاشیه رانی در عرصه غیر خودی کرده و چه بسا جزئیات برخی رخدادها را به سبب مغایرت با افکار و باورهای خود و هم فکرانش در اثر تاریخی اش درج نکرده است.

## منابع و مأخذ

۱. ترکمنی آذر، پروین، **درآمدی بر تاریخ نگاری در ایران**، تهران، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵.
۲. حضرتی، حسن، «درآمدی بر نقد تاریخی»، **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**، شماره ۱۴۰، دی ماه ۱۳۸۸.
۳. حضرتی، حسن، **دانش تاریخ و تاریخ نگاری در اسلام**، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۴. خنجری، فضل الله بن روزبهان، **تاریخ عالم آرای امینی**، به تصحیح محمد اکبر عشیق، اصفهان، میراث مکتوب، ۱۳۸۲.
۵. خنجری، فضل الله بن روزبهان، **سلوک الملوك**، به تصحیح محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲.
۶. خنجری، فضل الله بن روزبهان، **مهمنان نامه بخارا**، به اهتمام منوچهره ستوده، تهران، بنگاه نشر و ترجمه، ۲۰۳۵.
۷. رنجکش، مریم، «فوايد علم تاریخ در نگاه فضل الله بن روزبهان خنجری»، **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**، تیر ۱۳۸۶.
۸. روشه، گی، **تغییرات اجتماعی**، ترجمه منصور وثوق، تهران، نشر نی، ۱۳۶۶.
۹. ریپکا، یان، «علوم دقیقه در ایران عهد سلجوکی و مغول» در: جی، آ، بویل، **تاریخ ایران کمپریج**، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۹.
۱۰. زرین کوب، عبدالله، **تاریخ در ترازو**، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۸.
۱۱. ساروخانی، باقر، **روش های تحقیق در علوم اجتماعی**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.

۱۲. سجادی، صادق و هادی عالمزاده، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
۱۳. سخاوی، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن، *الضوء الالامع فی اعيان القرن التاسع*، مصر، بی‌نا، ۱۳۵۳.
۱۴. شوهانی، سیاوش، «پارادایم تاریخ‌نویسی در ایران: الگویی از تاریخ‌نگاری هزار ساله از اواخر قرن سوم تا برآمدن جنبش مشروطه‌خواهی»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۶، سال دوم پاییز ۱۳۸۹.
۱۵. صفت‌گل، منصور «نگاهی به عالم آرای امینی»، *آینه میراث*، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۸۳.
۱۶. طهرانی، ابوبکر، *دیار بکریه*، به کوشش نجاتی، لو غال و فاروق سومر، ترکیه، آنکارا، ۱۹۶۲م.
۱۷. عابدی، رضا، *احوال، آرای و تاریخ‌نگاری فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه، ۱۳۹۱.
۱۸. عادل، پرویز، «رویکردهای شرعی فضل الله بن روزبهان خنجی در تاریخ‌نگاری عالم آرای امینی»، *کتاب ماه و جغرافیا*، شماره‌های ۸۷ و ۸۶، ۱۳۸۳.
۱۹. عشقی، محمدا کبر، «تاریخ عالم آرای امینی»، *آینه میراث*، سال چهارم، بی‌تا.
۲۰. عیوضی، فاطمه، «بررسی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری فضل الله بن روزبهان خنجی در کتاب عالم آرای امینی»، *کارنامه بلخ*، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
۲۱. فیاض، ابوالحسن و دیگران «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری خاندان منجمان»، *فصلنامه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهرا*، سال ۲۶، شمار ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
۲۲. مفتخری، حسین، «پارادایم‌های روش‌شناختی مؤثر بر پژوهش‌های تاریخی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، سال ۱۲، شماره ۱۲۲، ۱۳۷۸.
۲۳. منشی قزوینی، بوداچیگ، *جواهر الاخبار*، تصحیح محسن بهرام‌نژاد، تهران، میراث مکتب، ۱۳۷۸.
۲۴. موسی‌پور، ابراهیم، «تاریخ اجتماعی: رویکردی نوین به مطالعات تاریخی»، *فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی*، سال سوم، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
۲۵. میثمی، جولی اسکات، *تاریخ‌نگاری فارسی*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، ماهی، ۱۳۹۱.
۲۶. نصیری، محمد، *تاریخ تحلیلی صدر اسلام*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱.
۲۷. وثوقی، محمد باقر، «علم آرای امینی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، دی ۱۳۷۷.

۲۸. هگل، و. ف، *عقل در تاریخ*، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۵۶.
۲۹. عادل، پرویز، «رویکردهای شرعی فضل الله بن روزبهان خنجی در تاریخ‌نگاری عالم آراء امینی»، *ماهنشا ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۸۷ و ۸۶، ص ۷۱-۶۵، تهران، خانه کتاب، آذر و دی ۱۳۸۳.
۳۰. حسن‌زاده، اسماعیل، «اندیشه مشنیت الهی در تاریخ‌نگاری اسلامی»، *مجله تاریخ اسلام*، ش ۵، ص ۱۶۶-۱۳۳، قم، دانشگاه باقر العلوم، بهار ۱۳۸۰.
۳۱. هگل، کنورگ ویلهلم، *عقل در تاریخ*، ترجمه حمید عنایت، تهران، شفیعی، ۱۳۸۵